

اقتدا به محمد (ص)

باز اندیشی اسلام در جهان معاصر

نگارش

کارل اِرْنست

ترجمه

حسن نورانی بیدخت

بازنگری و مقدمه

شهرام پازوکی

سرسنانه	ارنست، کارل، ۱۹۵۰م. Ernst, Carl W.
عنوان و نام پدیدآور	اقتدا به محمد(ص) Following Muhammad: بازاندیشی اسلام در جهان معاصر / نگارش کارل ارنست؛ ترجمه حسن نورانی بیدخت؛ بازنگری و مقدمه شهرام پازوکی.
مشخصات نشر	تهران: حقیقت، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	سیزده، ۳۷۵ ص.
شابک	۷۰۰۰۰ ریال 978-600-5231-16-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	عنوان اصلی: Following Muhammad: rethinking Islam in the contemporary world, 2003
موضوع	اسلام - قرن ۲۱م.
موضوع	اسلام - ذات و ماهیت
شناسه افزوده	نورانی بیدخت، حسن، ۱۳۲۸ - ، مترجم.
شناسه افزوده	پازوکی، شهرام، ۱۳۳۵ - ، ویراستار
زده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ الف ۷۴۳ الف / BP ۲۲۹
زده‌بندی دبوی	۲۹۷/۴۸:
شماره کتابشناسی ملی:	۲۰۵۸۵۸۰



انتشارات حقیقت

اقتدا به محمد(ص): باز اندیشی اسلام در جهان معاصر
نگارش: کارل ارنست

ترجمه: حسن نورانی بیدخت

بازنگری و مقدمه: شهرام پازوکی (عضو هیأت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران)
ناشر: انتشارات حقیقت؛ تهران، خیابان گاندی، خیابان نهم، پلاک ۲۴

طراح جلد: حبیب‌الله اسلامی

صندوق پستی: تهران، ۱۱۳۶۵-۳۳۵۷

تلفن: ۸۸۷۷۲۵۲۹؛ فاکس: ۸۸۷۹۱۶۵۲

تلفن مرکز پخش: ۵۵۶۳۳۱۵۱

Site: www.haqiqat.ir

Email: info@haqiqat.ir

چاپ اول: ۱۳۸۹

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: شرکت چاپ خواجه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه ترجمه فارسی.....	هفت
پیشگفتار.....	۱
فصل اول: اسلام به چشم غرب.....	۲۱
اسلام به عنوان بخشی از جهان معاصر.....	۲۳
رفتارهای اسلام ستیزانه از قرون وسطی تا کنون.....	۳۶
اجتناب از پیشداوری در رویکرد به اسلام.....	۶۱
فصل دوم: نگرش به اسلام از منظر دین.....	۷۳
اسلام و مفهوم مدرن دین.....	۷۵
اسلام و مطالعه تاریخی دین.....	۸۸
اسلام تعریف شده برحسب کشور و شمار.....	۱۰۲
زبان دینی اسلامی.....	۱۰۹
فصل سوم: منابع مقدس اسلام.....	۱۲۱
محمد(ص): خاتم پیامبران.....	۱۲۵

کلام خدا: قرآن.....	۱۵۳
فصل چهارم: اخلاق و زندگی در جهان.....	۱۷۳
اخلاق دینی اسلامی.....	۱۷۵
فلسفه یونان به عنوان یک سرچشمه‌ای برای اخلاق.....	۱۹۱
اخلاق اسلامی در عصر استعمار.....	۲۰۲
پایان خلافت و مفهوم حکومت اسلامی.....	۲۰۷
نمونه‌هایی از اسلام و دولت مدرن در عمل.....	۲۱۳
اسلام لیبرال.....	۲۱۸
جنسیت و مسأله حجاب.....	۲۲۱
اسلام و علم.....	۲۳۵
فصل پنجم: معنویت در عمل.....	۲۴۹
تصوف اولیه و پرورش تجربه عرفانی.....	۲۵۱
معنویت تشیع.....	۲۵۷
تصوف اخیر.....	۲۶۶
هنر اسلامی چیست؟.....	۲۷۸
فصل ششم: پی‌نوشت: تصور دوباره اسلام در قرن بیست و یکم.....	۳۰۱
فراتر از شرق و غرب.....	۳۰۳
تصاویر تازه‌ای از اسلام.....	۳۰۸
اسلام و تکثرگرایی.....	۳۱۹
توضیحات.....	۳۲۵
فصل اول.....	۳۲۷

۳۳۳	فصل دوم
۳۳۷	فصل سوم
۳۴۱	فصل چهارم
۳۴۹	فصل پنجم
۳۵۷	فصل ششم
۳۵۹	نمایه‌ها
۳۶۱	نمایه آیات و احادیث و اخبار
۳۶۳	نمایه اشخاص
۳۶۹	نمایه کتاب‌ها
۳۷۱	نمایه مکان‌های جغرافیایی
۳۷۵	نمایه فیلم‌ها

مقدمه ترجمه فارسی

شناخت عامه - و حتی در موارد بسیار، درس آموختگان - غربی از اسلام و پیامبر اکرم (ص) هنوز برآمده از همان تصویری است که در قرون وسطی وجود داشت و ماحصلش با حذف کلمات زشت این است که اسلام بدعت و انحرافی است از مسیحیت و دین جنگ و خشونت است و مسلمان کسی است که یک جنبه اش فردی خونریز و ستیزه جو است و جنبه دیگرش انسانی است شهوانی که در داستان های هزار و یک شب وصفش آمده است.

این تصور با جنگ های صلیبی و فتوحات اسلامی به خصوص در دوره عثمانی بیشتر تقویت شد تا اینکه در جریان واقعه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ به اوج خود رسید. این حادثه از جهتی دیگر برای خود مسلمانان پند آموز بود چرا که آنان توانستند به خطرات نهفته در یک نوع اندیشه منحرف و قشری که می تواند در همه ادیان نهفته باشد و در اسلام به سبب جامعیتش بر ظاهر و باطن، دنیا و دین، امکان ظهورش بیشتر

است، عملاً بیشتر پی ببرند. البته خود مسیحیان، به خصوص آمریکایی‌ها، از اوایل قرن بیستم با این جریان فکری آشنا شده بودند و واژه fundamentalism، به معنای بازگشت به اصول (fundamentals) اولیه مسیحی، نخستین بار در اطلاق به همین نوع تفکر قشری، در عرف دینی مسیحیت پروتستان در آمریکا استفاده شد. با همین سابقه فکری، پس از انقلاب اسلامی در ایران، این واژه در مطبوعات و دیگر رسانه‌های عمومی غربی با افزودن صفت "اسلامی" نیز به کار رفت و اکنون تعبیر Islamic fundamentalism—که بنابر مشهور به "بنیادگرایی اسلامی" ترجمه می‌شود—کاملاً متداول شده است.

در دهه گذشته، پس از یازده سپتامبر، اینک اسلام مبتدل به یک خطر برای تمدن غرب شمارده می‌شود و واژه‌هایی مثل اسلام‌هراسی (Islamophobia) دال بر آن جعل شده و آن قدر در میان آنان مرسوم و رواج یافته که بی‌نیاز از شرح و بیان است.

در پاسخ به این نوع تصوّرات نادرست درباره اسلام در غرب، تنی چند از اسلام‌شناسان معاصر که از طریق تصوّف و عرفان با این دین مبین آشنا شده و در دل و جان خویش به آن تعلّق نیز دارند، به تألیف آثاری که عمدتاً به زبان انگلیسی است، آغاز کردند. کتاب اقتدا به محمد (ص): بازنگری اسلام در جهان معاصر از جمله مهم‌ترین این آثار است.^۱

۱. از دیگر آثار مهم از این نوع می‌توان کتاب قلب اسلام: آموزش‌های جاودان برای بشریت، تألیف دکتر سیدحسین نصر (ترجمه فارسی مصطفی شهرآئینی، چاپ دوم، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۸۵) را نام برد و پیش از آن از کتاب پیش اسلام، تألیف ساجیکو مورانا و ویلیام جیتیک، یاد کرد که به معزوفی وجوه متعدّد اسلام در پاسخ به کسانی که آن را دینی یک وجهی و صرفاً فقهی و سیاسی می‌دانند، می‌پردازد.

این کتاب در سال ۲۰۰۳ نوشته شده و مؤلف آن، کارل ارنست (متولد ۱۹۵۰)، در مقدمه کتاب انگیزه خویش از نوشتن آن و همچنین مشکلات نشرش را به سبب مسائل حادث پس از یازده سپتامبر شرح می‌دهد. او در این باره همچنین در ابتدای بخش دوم فصل اول کتاب می‌گوید: «به تحقیق می‌توان گفت که هیچ دینی به اندازه اسلام، جنبه‌ای منفی در نگاه غرب پیدا نکرده است.» این جمله شاید کلید فهم موضوع این کتاب باشد؛ چرا که می‌توان کل کتاب را پاسخ به این سؤال یافت که چرا چنین شبهه‌ای پیدا شده است و چه باید کرد؟

کتاب اقتدا به محمد (ص)، پس از انتشار نه تنها نظر غربیان بیگانه با اسلام بلکه مسلمانان معرفت‌اندیش در جهان اسلام را نیز به خود جلب کرد و به زبان‌های ترکی (۲۰۰۵)، کره‌ای (۲۰۰۵)، آلمانی (۲۰۰۷) و عربی (۲۰۰۸)^۱ ترجمه شد. از این رو در کشورهای مهم اسلامی مثل مالزی، اندونزی، مصر، ترکیه و در حدود سه سال قبل در ایران - توسط مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دانشگاه شیراز - از این کتاب تقدیر شد و جوایزی به آن تعلق گرفت.^۲

کارل ارنست سال‌ها است که استاد ممتاز و رئیس بخش مطالعات

۱. مشخصات چاپ عربی کتاب عبارت است از: علی نهج محمد: إعادة التفكير في الإسلام في العالم المعاصر، بيروت، نشر علمی عربی.

۲. کارل ارنست همچنین به دلیل تحقیقات برجسته اسلامی در سال ۱۳۸۷ به عنوان محقق برگزیده دومین جشنواره بین‌المللی فارابی (ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی) در بخش خارجی انتخاب شد و البته از این بابت دچار زحماتی از جانب همکاران دانشگاهی‌اش در آمریکا نیز شد.

دینی در دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا^۱ است و در عین حال مدیر "مرکز کارولینا در مطالعات تمدن‌های خاورمیانه و اسلامی"^۲ است. وی که قلباً تعلق خاطر به اسلام دارد، سال‌ها است که در این دانشگاه دربارهٔ اسلام تدریس می‌کند.^۳ کارل ارنست زبان‌های عربی، فارسی و اردو را می‌داند و به خصوص در موضوع تصوف و عرفان اسلامی آثاری دارد که از جمله آنها می‌توان به دو اثرش دربارهٔ روزبهان بقلی^۴ و همچنین کتاب وی در معرفی تصوف^۵ اشاره کرد. همان‌طور که از عناوین این کتاب‌ها نیز برمی‌آید، نگاه وی به اسلام نگاهی عرفانی است و از این منظر است که توانسته اسلام دیگری غیر از آنکه در حوادث ۱۱ سپتامبر دیدگان را مبهوت کرد، به خوانندگان معرفی کند.

افتدا به محمّد(ص) با اینکه مخاطبان اصلی‌اش غیرمسلمانان هستند و لذا فصل‌هایی که به معرفی اسلام می‌پردازد، مثل فصل‌های دوم و سوم،

1. University of North Carolina at Chapel Hill.

2. Carolina Center for the Study of the Middle East and Muslim Civilizations.

۳. وی اخیراً کتاب دیگری تقریباً با همان مقصود کتاب افتدا به محمّد(ص) با عنوان زیر جمع‌آوری و تدوین کرده است:

Rethinking Islamic Studies: From Orientalism to Cosmopolitanism (2010).

۴. عناوین این دو کتاب عبارتند از:

I) *the Unveiling of Secrets: Diary of a Sufi Master by Ruzbihan Baqli*, 1997.

II) *Ruzbihan Baqli: Mystical Experience and the Rhetoric of Sainthood in Persian Sufism*, 1996.

از کتاب اخیر دو ترجمه به زبان فارسی موجود است.

5. *Guide to Sufism* (1997).

این کتاب به زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، یونانی و روسی ترجمه شده است.

شاید برای خواننده ایرانی آشنا با اسلام کم‌اهمیت باشد ولی بقیه کتاب حاوی نکاتی مهم است که فوائد بسیاری را دربردارد. از همه مهم‌تر اینکه مطلع می‌شوند که "دیگران" درباره آنها چگونه می‌اندیشند و عوامل پیدایش این اندیشه و سرآغاز آن چیست و چه مسیری را طی کرده و اکنون کجاست.

اینکه گروه‌های علمی مطالعات ادیان - از جمله اسلام - در مؤسسات علمی و دانشگاه غرب عمدتاً از منظر مذهب پروتستان به تحقیق و مطالعه در ادیان دیگر می‌پردازند و از این جهت بنابر ماهیت اندیشه دینی حاکم بر این مذهب وقتی به اسلام به عنوان دین می‌نگرند نکته‌ها و لطایفی را در آن نادیده و مجهول گذارده‌اند؛ اینکه بعضی مستشرقان تصویری توأم با غرض و برآمده از منافع استعماری، اسلام را معرفی کرده‌اند؛ اینکه تاکنون اسلام در غرب عموماً از منظر قومی و نژادی دیده شده؛ از جمله نکاتی است که در این کتاب با اتکاء به شواهد و مدارک مستند شرح و تحلیل شده است. این‌ها همه نکاتی است که فهمشان راه را برای گفتگو با غرب و یافتن جایگاه مناسبی برای اسلام در عالم معاصر هموار می‌کند. از این‌رو آخرین فصل این کتاب مشتمل بر اصلی‌ترین مسأله مسلمانان به‌طور کلی است و آن اینکه چگونه می‌توان تصویری جدید از اسلام در قرن بیست و یکم ترسیم کرد.

در ضمن مطالعه این کتاب نباید هیچ‌گاه از خاطر برد که در فضای فکری کشورهای غربی و متناسب با مقبولات و مشهورات حاکم بر آن نوشته شده است. این کار از جهتی سودمند بوده چون توانسته مخاطب

اصلی خود را دریابد ولی محدودیت‌های خاص خویش را نیز اقتضا می‌کرده است؛ از جمله اینکه مؤلف در مورد فلسطین و صهیونیسم مطالبی را اظهار کرده است که به مذاق اکثریت مسلمانان ایرانی خوش نمی‌آید. یا اینکه به هنگام شرح سیر رفتارهای اسلام‌ستیزانه از قرون وسطی تا کنون، عبارات و تعبیرهای زشت و نادرست و موهنی را که درباره پیامبر اسلام(ص) به کار رفته برای روشن کردن ذهن خواننده و نشان دادن تصویرهای سابق و رایج غریبان‌عیناً نقل کرده است که البته این کار خاطر مسلمانان را آزرده می‌سازد چون اهانت به مقام عظیم‌الشان حضرت ختمی مرتبت(ص) تلقی می‌شود. در این قبیل موارد چاره‌ای نبود که به جهت حفظ امانت و برای اینکه خواننده فارسی متوجه شود چه تصورات و نظریات باطلی در این باب وجود دارد، این مطالب عیناً ترجمه شود و البته در مواردی اندک این لحن بیان کمی تعدیل شد و برای حفظ حرمت دینی، عبارات "حضرت" یا "علیه‌السلام" و "صلی الله علیه و آله" در موارد مقتضی پیش یا پس از نام شریف پیامبران به خصوص خاتم آنان(ص) افزوده گشت.

لحن این کتاب در بسیاری مواضع جدلی و دفاعی (apologetic) است و یادآور متکلمان مسلمان و مسیحی است ولی حاوی اطلاعاتی سودمند و تحلیل‌های مبتنی بر آن است. طبیعی است که این تحلیل‌ها و تفسیرها مبتنی بر مقدمات و مفروضاتی است که چه بسا به دیده ما مقبول نیافتد، چنان‌که در پاره‌ای تحلیل‌ها نظر نگارنده کاملاً مخالف نظر مؤلف است، با این‌همه نمی‌توان ارزش خود آن اطلاعات را کم دانست و

بهره‌ای از آن نبرد.

نگارنده کتاب اقتدا به محمد را در آغاز سال ۱۳۸۵ تهیّه کردم و پس از مطالعه فصولی از آن، ترجمه‌اش را برای خواننده فارسی‌زبان سودمند یافتم^۱ و لذا از آقای حسن نورائی بیدخت که از مترجمین کارآزموده هستند و سابقه ترجمه شبیه این نوع آثار را دارند، درخواست کردم که به ترجمه آن مبادرت ورزند و ایشان این کار را از همان زمان آغاز کرد و بخشی از فصل اول آن را نیز منتشر کرد.^۲ اینجانب نیز هم‌زمان با ایشان به مقابله ترجمه با متن اصلی و تجدیدنظر در بعضی قسمت‌ها پرداختم و به اتمام رساندم ولی چاپ آن به دلایلی ناگفتنی میسر نشد و مدت‌ها به طول انجامید.

اینک که موانع موجود انشاءالله رفع و شرایط چاپ آن مهیا شده است، جا دارد که از مترجم فاضل کتاب آقای نورائی که رنج ترجمه آن را متحمل شدند و بر طولانی‌شدن انتشارش صبر کردند و همچنین آقای شاپور عظیمی که فصل‌هایی از آن را خوانده و پیشنهادهایی جهت اصلاح دادند و سرانجام سرکار خانم اکرم السادات ساکت که در ویرایش و تهیّه نمایه آن مساعدت کردند، تشکر کنم.

وله الحمد

شهرام بازوکی

پاییز ۱۳۸۸

۱. بر همین اساس، این کتاب به پیشنهاد نگارنده توسط خانم دکتر شمس الملرک مصطفوی در عرفان ایران، شماره ۲۷ و ۲۸، گردآوری و تدوین دکتر سید مصطفی آزمایش، تهران، بهار ۱۳۸۵، معرفی شد.

۲. عرفان ایران، شماره ۲۹ و ۳۰، زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۵-۱۰۵.

پیشگفتار

امروزه واژه "اسلام" چه تصاویری در اذهان متبادر می‌نماید؟ به هر کتاب‌فروشی‌ای که قدم بگذارید - قبل از هر چیز - عنوان‌های نفس‌گیری نظرتان را به خود جلب خواهد کرد که واقعاً دهشتناک است! این آثار ژورنالیستی از توطئه و دسیسه‌چینی تروریستی علیه ایالات متحده آمریکا پرده برمی‌دارد. در کنار این آثار مشتری‌پسند و بازاری، کتاب‌هایی جدی‌تر و تأمل‌برانگیزتر نیز به چشم می‌خورند که استادانه مسأله ناکامی تمدن اسلامی و پیش‌بینی یک برخورد فاجعه‌آمیز میان اسلام و غرب را مطرح و بررسی می‌کنند، اما در گوشه‌ای از همین کتاب‌فروشی‌ها، ممکن است به چند کتاب علمی برخورد کنید که با قلم خسته‌کننده و ملال‌آور خاص کتاب‌های درسی، به بررسی تاریخ و الهیات اسلامی می‌پردازند. شاید یکی دو احتجاج دینی نیز پیدا کنید که از سوی مسلمانان و در تلاش برای دفاع از اسلام در برابر هرگونه اتهامی نگاشته شده‌اند. سرانجام و غیرقابل درک‌تر از همه، دو سه ترجمه از

قرآن مجید خواهید یافت که آن را به صورت متنی نامأنوس و همچنان به صورت رمزنوشته‌ای غیر قابل مطالعه می‌نمایاند. از اینها چه می‌توان دریافت؟

کتاب حاضر، به این دلیل نگاشته شده تا جایگزینی کاملاً متفاوت با کتاب‌های کنونی موجود درباره اسلام باشد. آنچه در این جا عرضه می‌شود، دیدگاهی است همدلانه و در عین حال مستند و مستدل از سنت دینی اسلامی و مسایل عصر حاضر که رویاروی مسلمانان قرار دارد. تمامی کوشش من، برای دور شدن از درک رایج، ارائه مفهومی غیربنیادگرایانه از اسلام است.

دو رویداد به وقوع پیوسته در سال ۲۰۰۲ بر دشواری و اهمیت این اقدام افزود. یکی این که در تابستان آن سال بود که متن کامل دست‌نوشته این کتاب را به ناشری تحویل دادم که در واقع نگارش آن را سفارش داده بود. در کمال تعجب و شگفتی، بعد از تأخیری قابل توجه، ناشر مزبور خبر داد که امکان چاپ و انتشار آن وجود ندارد! در دست‌نوشته مزبور از نظر کیفی هیچ مشکلی وجود نداشت؛ بلکه علت امر، همانا برخی موضع‌گیری‌های شخصی در میان اعضای شورای نویسندگان بود که از حملات تروریستی روز یازدهم سپتامبر علیه اهداف امریکایی سرچشمه می‌گرفت. به من گفتند که برخی از ویراستاران اکنون احساس می‌کنند نمی‌توانند در مورد کتابی کار کنند که تروریسم را توجیه می‌کند! در اینجا هویت ناشر، اهمیتی ندارد. این نکته که در دنیای نشر نیز موضوع اسلام چنان ستیزه‌جویانه مطرح شده که عده‌ای یارای رویارویی با آن را ندارند

در مورد این واقعه قابل ملاحظه است.

رویداد دوم، عبارت بود از برنامه کتابخوانی تابستانی در دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل^۱ که در آن به تدریس اشتغال دارم. معمولاً این نوع برنامه‌ها چندان جلب توجه نمی‌کند، جز این‌که عیش روزهای تعطیل دانشجویان را کور می‌نماید. امسال و در ترم جاری، انجمن مسؤول گزینش کتاب، خواستار انتخاب کتابی بود که در آن به برخی مسایل و موضوع‌های مرتبط با حملات یازدهم سپتامبر پرداخته شده باشد. نظر به این‌که کتاب‌های مهم و مؤثری راجع به تاریخ خاورمیانه، تروریسم و موضوع‌های مشابه کنار گذاشته شده بود، از من خواستند که بگویم آیا صلاح هست که مطالعه ترجمه‌ای از قرآن برای دانشجویان سال اول در نظر گرفته شود یا خیر. مشتاقانه کتاب آشنایی با قرآن: وحی‌های اولیه^۲ اثر مایکل سلز^۳ را پیشنهاد دادم که ترجمه چند رسانه‌ای بسیار خوب برای معرفی و بازنمایی این متن چالش‌انگیز بود. اگرچه این کتاب مایکل سلز به منظور تشریح ذهنیات تروریست‌ها طراحي نشده بود، ولی دانشجویان ما را برای نخستین بار با یکی از پرنفوذترین کتاب‌ها در تاریخ جهان، آشنا می‌کرد. برنامه پیشنهادی مطالعه و بررسی این کتاب مورد توجه ملی و بین‌المللی قرار گرفت؛ طوری‌که یک گروه مسیحی محافظه‌کار مقيم ویرجینیا بر ضد دانشگاه کارولینای شمالی اقامه دعوی نمود و استدلال کرد که ما با تلاش برای مسلمان کردن دانشجویان، آزادی

1. Chapel Hill.

2. *Approaching the Qur'an: The Early Revelations.*

3. Michael Sells.

مذهبی دانشجویان را زیر پا می‌گذاریم. مجلس قانونگذاری کارولینای شمالی با خشم به این برنامه واکنش نشان داد و آن را به مثابه حمایت از تروریست‌های مسلمان تلقی کرد. اگرچه دادگاه فدرال این شکایت را نادیده گرفت - به گونه‌ای که بیش از دو هزار دانشجوی بدون برخورد با هیچ مشکلی به بررسی کتاب مزبور پرداختند - ولی خشم از بابت تصمیم دانشگاه مبنی بر تعیین کتابی برای بحث و بررسی پیرامون اسلام، بار دیگر از ترس و خصومت شدیدی پرده برداشت که حتی خواندن کتابی را درباره این موضوع نیز بر نمی‌تافت.

در این شرایط - که ناشران، گروه‌های دینی و سیاستمداران با انجام بحث و بررسی بی‌طرفانه و منصفانه در مورد اسلام، مخالف‌اند - بدیهی است چنین بحثی دقیقاً همان چیزی است که نیازمندش هستیم. بحث‌های جدید درباره اسلام در امریکا و اروپا، عمدتاً از طریق ژورنالیسم جنجالی و حمله ایدئولوژیک انجام گرفته است. اگرچه تحقیقات بسیار مطلوبی درباره اسلام وجود دارد، اما این تحقیقات غالباً با نثری نامفهوم نگاشته شده و در نشریات گمنام دانشگاهی مدفون گردیده است. کتاب اقتدا به محمد (ص)^۱ کوشیده است تا پرده‌های سوءظن و اطلاعات نادرست را کنار بزند و ابزاری در اختیار خوانندگان قرار دهد که به درک مستقلی از درونمایه‌های کلیدی و پیشینه‌های تاریخی مؤثر بر مسلمانان - و بر غیر مسلمانان - در سرتاسر دنیای فعلی دست یابند.

این کتاب، حاصل سال‌ها تفکر، تدریس و نگارش درباره دین و

فرهنگ اسلامی است. پس از آشنایی با اشعار فارسی صوفیان و عرفای بزرگ مسلمان ایران، از جمله مولانا جلال‌الدین رومی بود که من به مطالعات اسلامی روی آوردم. دقیقاً به علت برداشت نادرست و ناآگاهی گسترده از اسلام که گریبان‌گیر همگان بود، به این فکر افتادم که مطالعه روایت معنوی والا و انسان‌گرایانه تصوف، به عنوان جنبه عمده‌ای از اندیشه و عمل اسلامی می‌تواند راه مناسبی برای پرکردن شکاف تمدنی موجود باشد.

این اعتقاد هم‌چنان به قوت خود باقی است و مطالعه روایت مزبور را شیوه‌ای مطلوب برای درک اسلام می‌دانم. سال‌ها بعد، در کمال شگفتی دریافتم که مولانا به مدد مترجمان و شاعرانی چون کلمن بارکس^۱ و رابرت پلای^۲ شهرت چشم‌گیری در سطح امریکا به دست آورده است. در دوره تحصیل، زبان‌های عربی، فارسی و اردو را فرا گرفتم و در رشته مطالعات اسلامی به اخذ درجه دکتری نائل گشتم. مدت‌ها در کشورهای مختلف از جمله در کشورهای شرقی غیرعرب مخصوصاً هند و پاکستان اقامت گزیدم و چند سفر تحقیقاتی به ایران و ترکیه کردم.

همچون سایر اعضای گروه کوچک پژوهشگران امریکایی که در زمینه مطالعات اسلامی فعالیت می‌کنند، مکرراً دریافته‌ام که اهداف انسان‌دوستانه‌ام با رویدادهای سیاسی همخوانی نداشته است. در پاییز ۱۹۷۸ بلیت هواپیمای سفر به تهران را پیش خرید کرده بودم و قصد داشتم تحقیقات و مطالعاتی در ایران انجام دهم، ولی وقوع انقلاب ایران مرا

1. Coleman Barks.

2. Robert Bly.

ناگزیر ساخت که راهی هند شوم. در سال ۱۹۸۵ از طرف مؤسسه تحقیقات تمدن اسلامی فولبرایت^۱ بورسیه‌ای دریافت کردم تا مطالعات و تحقیقاتی را در هند انجام دهم، اما یکی از دست‌اندرکاران دولت هند چنین پنداشت که تحقیقات من دربارهٔ صوفیان قرون وسطی، مجادله‌انگیزتر از آن است که اجازه دهد برای من روادید صادر گردد؛ در نتیجه، به اتفاق خانواده‌ام سال خوبی را در پاکستان گذراندم. محض تنوع مدّتی در ترکیه اقامت گزیدم و در سال ۱۹۹۰، اندکی بعد از آن‌که مطالعاتم در استانبول پایان یافت، عراق به کویت حمله کرد. در پاییز ۱۹۹۸ ناگزیر شدم سفر تحقیقاتی خود به پاکستان را به بعد موکول کنم و آن زمانی بود که دولت امریکا به تلافی بمب‌گذاری‌های انجام شده در سفارت‌خانه‌هایش در شرق افریقا، چند فروند موشک کروز به سودان و افغانستان شلیک کرد و من در سایهٔ حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، در شهر زیبای سویل^۲ که زمانی مرکز فرهنگ مورهای^۳ اسپانیای قرون وسطی بود، نگارش این متن را آغاز کردم.

کارهای آموزشی موجود فراروی متخصصان و کارشناسان مطالعات اسلامی، بسیار دشوار است. از یک سوی در بخش اعظم اروپا و امریکا ناآگاهی و سوءظن و وحشتناکی راجع به اسلام وجود دارد که در حال حاضر به‌طرز قابل توجهی به‌واسطهٔ تراژدی اخیر تشدید گردیده است. از طرف دیگر، افراطیونی از کشورهای اسلامی وجود دارند که برای توجیه

1. Fullbright.

2. Seville = اشبیلیه.

3. Moorish (مسلمانان ساکن اسپانیا در قرون وسطی).

کارهای وحشتناک خود در اعمال خشونت عمومی، از زبان اسلام استفاده کرده‌اند. در این رویارویی صدها میلیون مسلمان که امروزه ساکن جهان‌اند، به‌عنوان بیگانگانی برای فرهنگ غربی طبقه‌بندی شده‌اند؛ با این همه، آنها در نگرش متعصبانه و فاجعه‌آمیز اسامه بن لادن سهمی ندارند. آن دسته از ما که متن قرآن، آثار شاعران بزرگ و تاریخ تمدن اسلامی را مطالعه کرده‌ایم، تحریف و نابهنجار ساختن نمادهای اسلامی و اعتبار آن به‌دست همین افراطیون مدرن حاصل شده، به‌خوبی حس می‌کنیم. اکثریت قریب به اتفاق مسلمانانی که ضمن نفرت از تداوم اعمال نفوذ استعمار نو بر کشورهای خود، از اقدامات تروریستی نیز بیزارند، به‌مراتب نگرانی و اضطراب بیشتری احساس می‌کنند.

به‌رغم این چالش‌های فوق‌العاده، کار مطالعات اسلامی را می‌توان بسیار اندک نیز توصیف نمود. در سال ۱۹۹۲ در کارگاهی شرکت کردم که جنبه‌های گوناگون اسلام را در امریکا مورد بحث و بررسی قرار می‌داد. هدف آموزشی‌ای که سرانجام در این کارگاه در مورد آن توافق شد، بسیار اساسی بود: متقاعد ساختن امریکایی‌ها در این باره که مسلمانان انسان‌اند. این هدف ممکن است چیزی بسیار بدیهی به‌نظر برسد، ولی دین اسلام شاید تنها موضوع باقی‌مانده‌ای باشد که تحصیل‌کرده‌ها و افراد فرهیخته [در امریکا] حاضرند به‌صراحت درباره‌اش جهت‌گیری و پیشداوری کنند. ده سال بعد، کارگاه دیگری در مورد مسایل حیاتی و سرنوشت‌ساز مربوط به مطالعات اسلامی نیز به‌همین نتیجه رسید ولیکن با قدرت و قاطعیت بیشتر: مسأله واقعی، همانا نشان دادن انسان بودن مسلمانان در

انظار غیر مسلمانان است.

در فصل اول کتاب، ماهیت پیشداوری اسلام‌ستیزانه را به تفصیل بررسی خواهم کرد؛ هنوز برای من عجیب است که افراد فرهیخته بر این باور باشند که همه مسلمانان اهل خشونت‌اند یا همه زنان مسلمان مورد ستم و سرکوب قرار گرفته‌اند، لیکن هیچ‌گاه این فکر به ذهن‌شان خطور نکند که با چنین دیدگاهی راجع به گروه‌های به مراتب کوچک‌تری چون یهودیان یا سیاهان نیز باید سخنی بگویند. قدرت این تصاویر و وجهه‌های منفی، درخصوص مسلمانان چشم‌گیر است؛ هرچند که تصاویر مزبور بر مبنای تجربه شخصی یا مطالعه فرهنگی استوار نیست، لیکن همه‌روزه از فرهنگ عامه و رسانه‌های خبری نیرو می‌گیرد.

استدلال‌های ارائه شده در این کتاب طوری طراح‌ی شده که با دسترسی انتقادی و مستقل خواننده به اطلاعات کلیدی، رابطه تازه‌ای میان او و موضوع اسلام برقرار گردد. در کتاب‌های پیشین خود، شیوه‌ای برای تشریح موضوع‌های دینی نامأنوس درپیش گرفتم که در آن از زبان نامفهوم تحقیقات تخصصی، اثری نبود. فکر می‌کنم امکان نگارش سلیس و روان و درگیر ساختن خواننده در موضوع، البته نه با اظهارات مستبذانه، بلکه با روشن کردن بحث‌ها و نشان دادن آنچه واقعاً مطرح است، وجود دارد. من مخصوصاً به مطالعات دینی در زمینه تاریخی پرداختم تا مطابقه‌ها و معانی مبسوط را مشخص نمایم. با پرداختن به این موضوع از مطالعات دینی، نقش مهم مسیحیت مدرن، بالاخص اندیشه پروتستان، را در شکل دادن به برداشت‌های مدرن از اسلام مورد توجه قرار دادم. این

برداشت‌ها را می‌توان در نوشته‌های کارشناسان غیرمسلمان اسلام در اروپا و امریکا (به اصطلاح شرق‌شناسان) مشاهده کرد. این برداشت‌ها در آثار منتقدان و نویسندگان مسلمان مدرن نیز یافت می‌شود. با بذل توجه به زمینه تاریخی، من در پی آنم که عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پس‌پدیده‌هایی را که گاهی منحصرأ دینی به حساب می‌آیند، مشخص کنم.

با استفاده از این شیوه‌ها، از همان ابتدای امر این‌طور طرح‌ریزی کردم که محور کتاب حاضر، مطالب و مضامین عمده دینی اسلامی باشد و در آن نقش کمتر درک شده حضرت محمد (ص)، پیامبر اسلام، به عنوان شخصیت محوری تبیین‌کننده تدین اسلامی، مورد تأکید قرار گیرد. این امر شالوده اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد، ولی دوره پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، محیطی ایجاد کرده است که در آن دیگر نمی‌توان مسأله رویارویی دینی و تمدنی مورد اشاره بالا را نادیده گرفت. از نظر بسیاری از مردم، رویارویی، تنها شیوه‌ای است که از طریق آن توصیف اسلام را شنیده‌اند. تفاوت عمده‌ای که در این کتاب دیده می‌شود، همانا برجسته‌ساختن این نکته است که چگونه در تاریخ معاصر، اندیشه دین را گرد اندیشه‌های رقابت و رویارویی بنا کرده‌ایم؛ چرا که در اغلب موارد، این مفهوم مدرن از دین که سلطه جهانی یافته، که تسنجیده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

روشن‌ساختن تأثیر متقابل دین و تاریخ، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا فرهنگ رسانه‌های همگانی، امروز به خلق این اندیشه‌گرایی دارد

که تنها زمان حال است که ارزش بررسی دارد. سیل پیام‌های بازرگانی و برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ای که همه روزه، همگان آن را متحمل می‌شویم، به فراموشی سپردن گذشته را ترغیب و ایدئولوژی‌های کنونی را به نوعی تقویت می‌کند که گویا این افکار همیشه با ما بوده‌اند. به هر ترتیب آگاهی از گذشته می‌تواند ابزار مهمی برای رها ساختن انسان از بیداد جو فکری کنونی باشد. واژه‌ها و مفاهیم از زیربته بیرون نمی‌آیند آنها برای اهداف و مقاصد خاصی وضع شده‌اند و پایان یافتن زمان استفاده از آنها، بیانگر تحولات بنیادین در عصر ماست. دانستن سرچشمه تغییر شکل واژه‌ها به ما امکان می‌دهد که تصمیم بگیریم کدام یک از معانی آنها را تأیید کنیم و کدام یک از اهداف پیشینیان خود را هنوز هم می‌توانیم بپذیریم. همچنین، نزدیک شدن به دین از چشم‌انداز تاریخ نشان می‌دهد که در پس وحدت و یکپارچگی ظاهراً بدون شکاف در مفاهیم دینی، چه مقدار بحث‌ها و اختلاف نظرهایی وجود دارد که نشانه کثرت‌انگاری رفع‌نشدنی هستند و چه چشم‌اندازهای متفاوتی در درون هر سنت دینی وجود دارد. اگرچه گوش فرادادن به نداهایی که با اعلام تأیید یا رد کلی همه موضوع‌ها مدعی حاکمیت و مرجعیت بلامنازع هستند و سوسه‌انگیز است، ولی این اغوا و فریبندگی ممکن است برپایه پیشداوری باشد. من از خواننده دعوت می‌کنم در جایگاه هیجان‌انگیز اکتشاف غنا، و تنوع تحول ادواری دینی چون اسلام قرار گیرد.

این کتاب به منزله دفاعی پوزش‌خواهانه از اسلام در برابر انتقادهای نیست؛ من خود مسلمان نیستم و رفتاری ترجیحی نسبت به هیچ‌کس

ندارم. کتاب حاضر این نظریه‌ها را عنوان می‌سازد که مسلمانان ابنای بشر هستند، یعنی این‌که دارای تاریخ‌اند و در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی چندگانه‌ای زندگی می‌کنند که با طبقه اقتصادی، قومیت، جنسیت و همه عواملی تبیین می‌گردد که مردمان عادی باید با آن روبه‌رو شوند. بر طبق ابتدایی‌ترین قواعد در روابط اصولاً انسانی که در سال‌های متمادی با مسلمانان - با کسانی که مرا به خانه‌های خویش دعوت کرده و در خانواده‌هایشان از من استقبال نموده‌اند - برقرار ساخته‌ام، شخصاً خود را مکلف می‌دانم که این استدلال حداقلی را بیان کنم. اگرچه سال‌ها پیش اصولاً کار حرفه‌ای‌ام را آموزش یک فرهنگ بیگانه به غیرمسلمانان قرار دادم، ولی حضور فزاینده مسلمانان در امریکا و اروپا، جامعه جدیدی را پدید آورده که اعضای آن هرچه بیشتر نسبت به این اندیشه که مسلمان بودن در حال حاضر چه مفهومی دارد، متعهد هستند. مسلمانان اکنون تقریباً یک چهارم ابنای بشر را تشکیل می‌دهند و تغییر این نسبت بعید می‌نماید؛ بنابراین، این امر واقعیتی است که غیرمسلمانان باید با اسلام به عنوان بخشی از بشریت مشترک؛ کنار آیند، همچنین، مسلمانانی که از اظهارات مستبدانه دیگران نیز دل خوشی ندارند، نیازمند آن خواهند بود که هم با تاریخ پیشینیان خویش و هم با تاریخ دنیای مدرن کنار بیایند. کتاب حاضر، بیشتر برای این دو مخاطب نگاشته شده تا برای پژوهشگران و هدف این است که بیشتر روشنگرانه و برانگیزاننده باشد تا مفصل یا خسته‌کننده.

بنابراین، روش اصلی کتاب، توصیفی و تفسیری است. این متن

در صدد آن است که مفاهیم کلیدی و نکات لازم را برای درک مباحثات معاصر راجع به اسلام در اختیار خواننده قرار دهد. نمی‌خواهم از هیچ موضع یا جایگاه خاصی تعریف کرده باشم، ولی رویکردی مبتنی بر مطالعات دینی و بافت تاریخی، وظیفه دارد موضع‌گیری یا رفتاری انتقادی نسبت به مسایل داشته باشد؛ یعنی همان‌گونه که اخیراً اشاره شد، در مورد ادعاهای دینی از روی ظاهرشان قضاوت نکنند و جاذبه‌های قدرت، نباید استدلال منطقی را تحت الشعاع قرار دهد یا تاریخ را نادیده بگیرد؛ بلکه برعکس، هر کس - اعم از مسلمان و غیر مسلمان و بی‌اعتنا به پس‌زمینه یا پیش‌تعهد - باید هر چیزی را از لحاظ عناصر بافت تاریخی‌اش مورد بحث قرار دهد و ارزیابی کند.

برای آن‌که این کتاب قابلیت درک بیشتری پیدا کند، آن را در قالب یک رساله تحقیقی نوشته و تنها یادداشت‌هایی به آن اضافه کرده‌ام تا اعتبار لازم را کسب کند یا ارجاع‌هایی به منابع دیگر، مانند مطالب موجود در اینترنت باشد. به طوری که در چند سال گذشته دریافته‌ام، منابع اینترنتی موجب دسترسی گسترده‌ای به مطالب مرتبط با اسلام شده‌اند و این چیزی است که پیش از این، برای خواننده عادی تقریباً غیر ممکن بود؛ به منظور سهولت کار خوانندگان، یک سایت اینترنتی به نشانی (<http://www.unc.edu/~cernst/islam.htm>) ایجاد کرده‌ام که همه مراجع‌های اینترنتی مندرج در کتاب را در بردارد و مرتباً به روز خواهد شد و گسترش خواهد یافت تا پایه پای این منابع رشد کند. ارائه هرگونه کمک یا پیشنهادی از سوی خوانندگان، مزید امتنان خواهد بود.

اگرچه کتاب حاضر عمدتاً بر آن است که وجهه انسانی اسلام را آشکار سازد، ولی این کار فقط از طریق کنارزدن پرده‌هایی از جهل و نادانی امکان پذیر است که در قرن‌های متمادی، این موضوع را در اذهان اروپایی‌ها و امریکایی‌ها ایجاد کرده است. اصلاح دوباره چیزی مانند یک تصویر درست و معتبر، مستلزم دو نوع عملیات ذهنی است: یکی، بهم ریختن کلیشه‌های کاریکاتورمانندی که بر ادراکات فعلی ما آن‌چنان غلبه دارد که باعث شود نگاه چندبعدی کاملی به پیچیدگی انسانی مسلمانان بسیندازیم؛ و دیگری، احیای خاطره است تا جایگزین فراموشی اختیاری‌ای بشود که موضوع‌هایی چون استعمار را از خاطره مشترک ما حتی در گذشته‌ای نه‌چندان دور، پاک نماید.

شیوه‌ای که به کار گرفته‌ام، ارائه مثال‌های انسانی واقعی است که خواننده را وادار می‌کند روایتی پدید آورد که در تشریح چگونگی ایجاد این قبیل چیزها مؤثر واقع شود. بدین ترتیب، خواننده در اقدام سازنده بازآفرینی وجهه‌ای انسانی به گروهی که شریر جلوه داده شده‌اند، مشارکت می‌جوید؛ اما نباید به خاطر تعصبات و پیشداوری‌هایی که به ارث برده‌ایم، احساس کند که سرزنش می‌شود. برخی از مخاطبانی که این تحلیل‌ها را در اختیارشان گذارده‌ام، با حیرت و تعجب واکنش نشان داده و بارها گفته‌اند که مطلقاً تصویری از اسلام ندارند و از این لحاظ خلأ بسیار بزرگی در ذهن‌شان وجود دارد. ضمن اذعان به درستی این واکنش‌ها، همچنان می‌خواهم راه‌های حیرت‌انگیزی را نشان دهم که طی آن تصور غالب امریکایی‌ها و اروپایی‌ها از خودشان با تاریخ واقعی درگیری

پیشینیان ما با اسلام در تضاد است! باز آفرینی وجهه انسانی اسلام به معنای کسب دانش و آگاهی بیشتر از این موضوع است که خود ما چه کسانی هستیم.

در پایان باید اعتراف کنم که از کتاب‌های درسی بیزارم. در بیست سال گذشته، کوشیده‌ام از استفاده منظم از متون آموزشی در کلاس‌هایم در مطالعات اسلامی خودداری کنم؛ زیرا این متن‌ها به طور کلی ظاهری فریبنده از نتیجه‌گیری‌های آسان و قطعی راجع به موضوع به دانشجو عرضه می‌کند. ولی دین، موضوع بسیار پیچیده‌ای است و من بیشتر ترجیح می‌دهم دانشجویان خودشان شک و تردیدی سازنده را تجربه کنند و صرفاً پاسخی ساده را، به امید قبول شدن در امتحان، به حافظه نسپارند. من از کتاب‌های درسی مربوط به اسلام به هیچ وجه راضی نیستم و نخستین مورد از آنها کتابی است اثر اچ. ای. آر. گیب^۱ که متأسفانه با عنوان محمدگرایی^۲ چاپ شده است (این کتاب ابتدا در سال ۱۹۴۷ منتشر شد و هنوز هم نسخه‌هایی از آن وجود دارد. در چاپ‌های بعدی، سرانجام عنوان آن به اسلام^۳ تغییر یافت). اگرچه این کتاب به لحاظ برخی جنبه‌ها تلخیص استادانه‌ای بود، اما با در پیش گرفتن یک تقسیم‌بندی موضوعی برگرفته از برنامه آموزشی متکلمان مسلمان سنتی قرون وسطی، الگویی برای کتاب‌های درسی بعدی درباره اسلام به دست داد. نویسنده طی اقدامی که نشان‌دهنده جهت‌گیری کلاسیک تحقیقات شرق‌شناختی بود،

1. H. A. R. Gibb.

2. *Mohammedanism*.

3. *Islam*.

فصل مکمل کوتاهی راجع به تاریخ معاصر اسلام نیز به کتاب مزبور اضافه کرد. تفاوت عمده در این الگو عبارت بود از اهمیت دادن به تفسیرهای بنیادگرایانه و احیاگرانه معاصر اسلام و در واقع به رسمیت شناختن آنها به عنوان تفسیرهایی معتبر.

اما آنچه من در این جا ارائه می‌دهم، مقاله‌ای تفسیری است که با بذل توجه به بحث‌های عمده‌ای که حوزه وسیعی از افکار و اظهارنظرهای دینی را در بر می‌گیرد، می‌کوشد تاریخ دین اسلام را به عنوان مأخذی برای بررسی اوضاع معاصر معرفی کند. در عین حال، می‌خواهم تأثیر رفتارها و موضع‌گیری‌های اروپایی و امریکایی را نسبت به مسلمانان در دوره‌های استعمار و پساستعمار آشکار سازم. کوتاه سخن این‌که، کتاب حاضر نگاشته شده تا ارتباط میان مسلمانان و غیرمسلمانان را در جهانی که مشترکاً به ارث برده‌اند برقرار کند.

فصل نخست این کتاب، نمایانگر مروری است بر اسلام به عنوان بخشی از دنیای مدرن - دست‌کم در دو قرن گذشته - از جمله رفتارها و موضع‌گیری‌های اسلام‌ستیزانه از قرون وسطی تا عصر حاضر.

فصل دوم، به بحث درباره تاریخ اصطلاح "دین" (religion) و چگونگی تغییر و تحول آن از اوایل دوره مسیحیت تا اوایل دوره استعمار، می‌پردازد. این فصل نشان می‌دهد که پژوهشگران چه درکی از اسلام دارند. بوروکرات‌های دولت ملی و حکومت چه تعریفی از اسلام می‌کنند و مسلمانان چگونه آن را با اصطلاحات خاص خودشان به تصویر کشیده‌اند.

فصل سوم، با عنوان "منابع مقدس اسلام"، با شرح زندگانی حضرت محمد(ص) شروع شده و در ادامه به بررسی قرآن، ساختار و محتوای آن می‌پردازد، بدون اینکه تلاش کند همه جزئیات امور را دربرگیرد؛ این تفسیر بر نقش محوری حضرت محمد(ص) برای آگاهی دینی از اسلام تأکید می‌ورزد. این فصل نیز فرصتی به دست می‌دهد تا بحث‌های بین‌المللی عمده‌ای که در نوشته‌های ژورنالیستی و کاربردی اخیر در مورد قرآن انجام گرفته است، مورد بررسی قرار گیرد.

فصل چهارم، با عنوان "اخلاق و زندگی در جهان" با شرح مفهوم گسترده اخلاقیات دینی اسلامی، برگرفته از تحقیقات فلسفی و متن‌های معتبر آغاز می‌شود. این فصل، پس از نشان دادن نقش عمده اخلاقیات فلسفی یونان در اندیشه اسلامی، به بحث پیرامون تحولات موجود در تفکر اخلاقی در عصر استیلای استعمار اروپا می‌پردازد. سپس، یک رشته مسایل عمده مرتبط با اخلاق دینی، از جمله مفهوم حکومت اسلامی، اندیشه اسلامی لیبرال (آزاداندیش)، مسایل جنسیتی و مسأله رعایت حجاب و رابطه میان اسلام و علم، مطرح می‌گردد.

فصل پنجم، با عنوان "معنویت در عمل" با بذل توجه خاص به نقش مشایخ صوفیه و پیشوایان شیعه به عنوان متفکران و راهنمایان معنوی، به بررسی معنویت و عرفان در تصوف و تشیع می‌پردازد. ضمناً، مجادلاتی همچون رد مفهوم قداست^۱ از سوی وهابیان را نیز به بحث می‌گذارد. این فصل، همچنین راجع به ماهیت هنر اسلامی، از جمله هنر مقدس، هنر

سکولار دارای مضامین دینی، هنر اسلامی برای غیرمسلمانان و اهمیت صور خیالی فرهنگ‌های مسلمان در نقاشی‌های شرق‌گرایانه اروپا، مطالبی عنوان می‌کند.

این کتاب، با پرداختن به موضوع "تصور دوباره اسلام در قرن بیست و یکم" پایان می‌یابد. در بخش پایانی، این مسأله بحث و بررسی می‌شود که چگونه ایدئولوژی و تکنولوژی، پیوسته شیوه‌ای را که مسلمانان و غیرمسلمانان براساس آن این روایت دینی را مجسم می‌کنند، دگرگون می‌سازد.

در کل کتاب، بر نقش حضرت محمد(ص) به عنوان شخصیت اصلی نشان‌دهنده خصوصیات ویژه تجربه اسلامی تأکید می‌شود.

نگارش این کتاب، بدون تعامل مستمری که با دانشجویان دوره‌های مختلف مطالعات اسلامی در سطوح مختلف و در بیست سال گذشته داشتم، امکان‌پذیر نبود؛ پس این کتاب را به آنها نیز تقدیم می‌کنم؛ زیرا آنها وظیفه پیشبرد آگاهی و دانش ما درباره این موضوع‌ها را در آینده برعهده گرفتند. به‌ویژه می‌خواهم از دانشجویان شرکت‌کننده در دو همایش مخصوص دانشجویان سال اول مرتبط به اسلام در دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل، به‌علاوه دستیاران دوره کارشناسی یعنی فیلیپ هاسِت،^۱ کارن رافل^۲ و پیتر رایت^۳ که جملگی مرا در زمینه بسیاری از موضوع‌های مطرح شده در این کتاب در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ یاری کردند، سپاسگزاری نمایم.

1. Philip Hassett.

2. Karen Ruffle.

3. Peter Wright.

همکاری و مساعدت ایلین میزنر^۱ و کارکنان انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی نیز، که این کتاب را هم بر حوزه دانشگاه و هم بر توده مردم تأثیرگذار دانستند، قابل تقدیر است. این امر همچنین از نظر من سبب قدردانی است که انتشارات دانشگاه مزبور، در سال ۱۹۷۵ یکی از مهم ترین کتاب هایی را که تا کنون در زمینه مطالعات اسلامی در امریکا به چاپ رسیده است، با عنوان ابعاد عرفانی اسلام،^۲ اثر استاد سابق خودم مرحومه آنه ماری شیمل^۳ (متوفی به سال ۲۰۱۳) منتشر ساخت. کتاب حاضر به ایشان نیز تقدیم می گردد و متأسفم که زندگی وی کفاف نداد تا آن را مشاهده کند.

علاوه بر آن، می خواهم از کلیه همکارانم در حوزه مطالعات اسلامی و موضوع های مربوطه، که همواره مرا به چالش کشانیده و در دستیابی به بصیرت و بینشی تازه درباره موضوع مورد بحث در این کتاب مرا یاری کرده اند، سپاسگزاری کنم. بیش از همه از کسانی قدردانی می کنم که نزدیک ترین همکاری ها را در این جا یعنی در کارولینای شمالی با من داشتند: ادوارد کُرتیس،^۴ بارت ایرمن،^۵ چارلز کورزمن،^۶ جیمز پیکاک،^۷

1. Elaine Maisner.

۲. این کتاب با همین عنوان و با این مشخصات ترجمه شده است: ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالکریم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

3. Anne Maric Schimmel.

4. Edward Curtis.

5. Bart Ehrman.

6. Charles Kurzman.

7. James Peacock.

شانتانو فوکان،^۱ سارا شیلدز^۲ و تامس توید^۳ (دانشگاه کارولینای شمالی)؛ میریام کوک،^۴ کاترین ایوینگ،^۵ بروس لاورنس^۶ و ابراهیم موسی^۷ (دانشگاه دیوک)؛ دیوید گیلمارتین،^۸ اکرم خاطر^۹ و تونی استیوارت^{۱۰} (دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی)؛ ریچارد مارتین^{۱۱} (دانشگاه ایلموری)؛ برانون ویلر^{۱۲} (دانشگاه واشینگتن)؛ محمّد قاسم زمان^{۱۳} (دانشگاه براون)؛ اف. کانگوزل ذوالفقار^{۱۴} و طاهر اندرابی^{۱۵} (کالج پومونا). چند نفر نسخه خوان که نامشان را نمی دانم به اضافه مایکل سلز^{۱۶} (کالج هاورفورد) و فرانسیس رابینسون^{۱۷} (رویال هالووی، دانشگاه لندن) نیز پیشنهادهای ارزنده ای دادند. به خصوص سپاسگزار

-
1. Shantanu Phukan.
 2. Sarah Shields.
 3. Thomas Tweed.
 4. Miriam Cooke.
 5. Katherine Ewing.
 6. Bruce Lawrence.
 7. Ebrahim Moosa.
 8. David Gilmartin.
 9. Akram Khater.
 10. Tony Stewart.
 11. Richard Martin.
 12. Brannon Wheeler.
 13. Muhammad Qasim Zaman.
 14. F.Canguzel Zulfikar.
 15. Tahir Andrabi.
 16. Michael Sells.
 17. Francis Robinson.

استاد پاکستانی خوشنویسی، رشید بات^۱ هستم که با گشاده رویی بسیار تهیه سرلوحه هر فصل را به عهده گرفت. او همچنین اجازه استفاده از اثر هنری خود، تصویر باشکوه "حلیه النبی" را در فصل سوم داد. مثل همیشه از همسرم جودیت ارنست^۲ به جهت بردباری، تشویق و انتقادهای مناسبش، سپاسگزارم.

1. Rasheed Butt.

2. Judith Ernst.